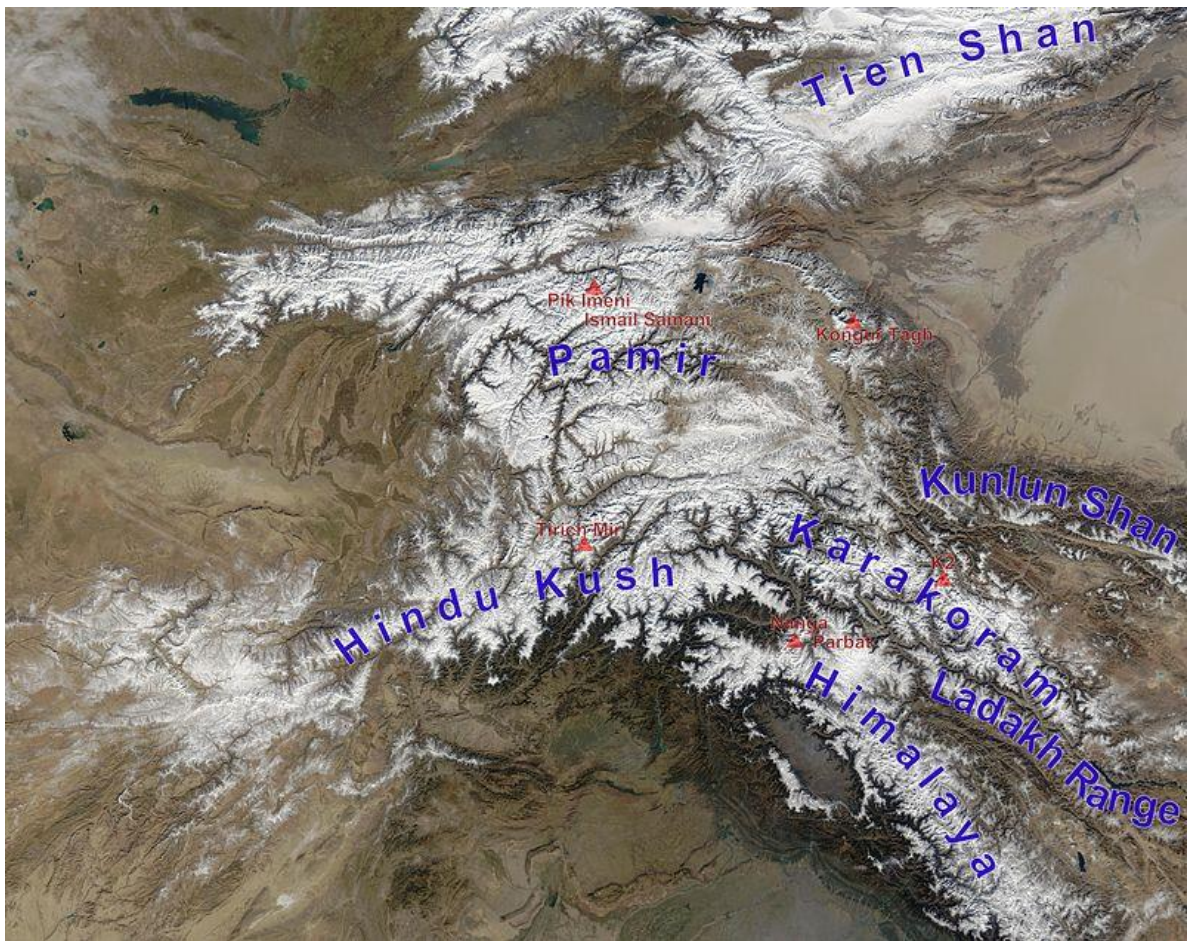




پامیر پناہ گاہ مطمئن و پیوند دہندہ هویت
فرہنگی اقوام پرورش یافتہ دامن خود است

نوشته: داکتر نورعلی دوست

۲۰ جون ۲۰۱۵

شهر لاول- ایالت کبک- کانادا

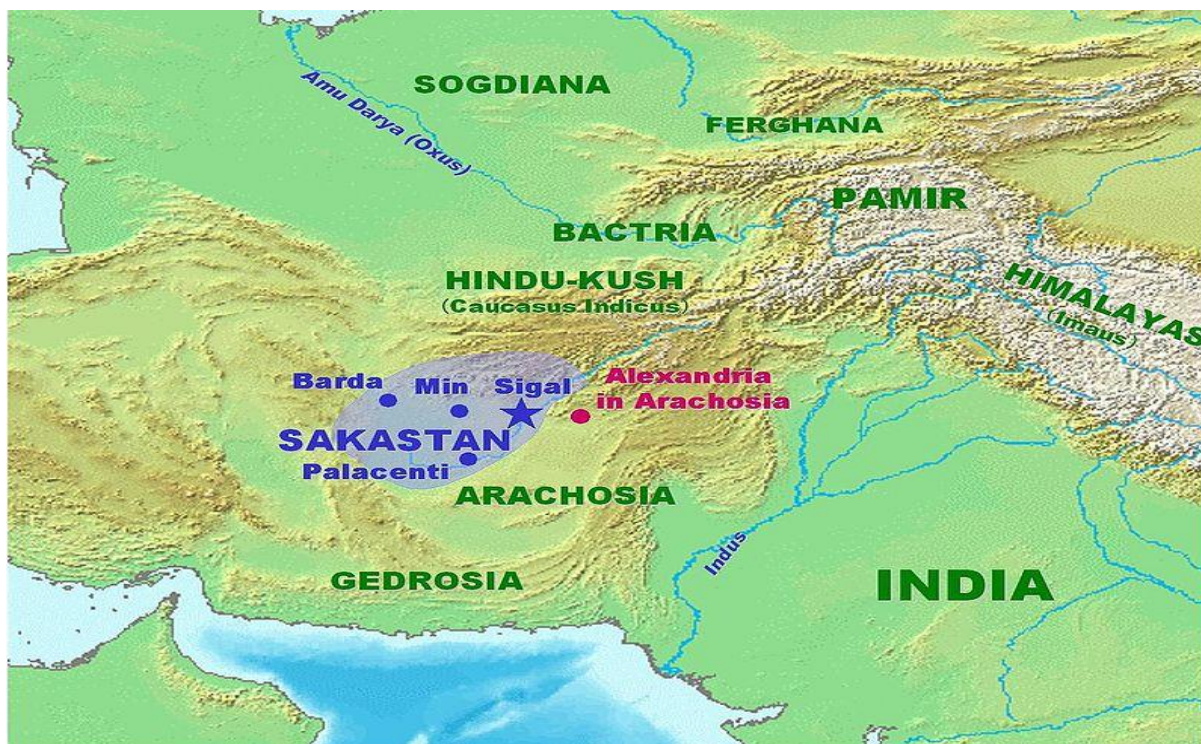


ای آشیانه من پامیر نازنینم درس و ترانه من پامیر نازنینم

سرود دل انگیز فرزندان نازنین پامیر (فرید ساحل)

خوشبختانه دانش امروز انسان ، در قلعه های شامخ معرفت جهان شناختی قرار داشته در عرصه های گوناگون علمی به کمال رسیده ، کاینات را بدرستی و بطور واقعی آن مطالعه و بررسی نموده ، روز تا روز به عمق اسرار آن پی میبرد ، چنانچه آخرین دانشمندان علم نجوم طی بررسی ها و کاوشها با اخذ تصاویر فرا ژرف هابل و اندازه گیری های دقیق تلسکوپ ۸، ۵ متره ، وی ، ال ، تی ، رصد خانه جنوبی اروپا ، (۱) دور ترین کهکشان جهان را شناسائی نمودند که به فاصله ۱۳،۱ میلیارد سال نوری از سیاره زمین ، خانه مشترک ما فاصله دارد . در حالیکه دورترین نقاط کائنات در دسترس مطالعه قرار گرفته باشد بررسی و مطالعه زمین برای علم اندازه گیری و مهندسی نقشه برداری حاضره زمان با استفاده از وسایل فوق العاده مدرن در سطح زمین و همچنان با بهره گیری از وسایل و دستگاه های مدرن ماهواره ئی مانند (توتال استیشن ها ، تنودولیت ها ، جی ، پی ، اس - ۲) و غیره بسیار هم سهل بوده با اطمینان گفته میتوانیم که مؤسسات علمی مهندسی نقشه برداری به غیر از بخش های مدرن و سری نظامی که در سطح بسیار عالی صاحب تکنالوژی و معلومات در این عرصه اند و این تکنالوژی ها تا انکشافات بعدی خود مدت ها سری مانده به بازار عرضه نمیشوند ، ولی با تکنالوژی ها و وسایل قابل دسترس عامه از وجب ، وجب کره زمین عکاسی و نقشه برداری بسیار هم دقیق صورت پذیرفته در دسترس عموم قرار گرفته است ، با اطمینان گفته میتوانیم که دستاورد های تحقیقاتی این ساحه ، هیچ نقطه از سیاره ما تا عمق کهکشانها را از چشم دیدمحققین این رشته بیرون نگذاشته است ، لذا برای مطالعه و معلومات های علمی و تحقیقاتی از وضعیت جغرافیائی مناطق مختلف جهان مخصوصن پامیر که از روز پیداشوی اش تا کنون این منطقه دچار هیچگونه حادثه ایکه سبب تغییرات وضعیت جیولوجیکی آن درین ساحه شده باشد ، نگردیده ، نقشه ها و تصاویری که توسط تکنالوژی و فن آوری های مدرن از زمین و هوا تهیه شده اند و هر آن لحظه میتوانند تهیه شوند ، بمراتب به جریان تحقیقات علمی وضعیت جغرافیائی این منطقه مناسب بوده واقعیت های تحقیقات علمی را بصورت دقیق بیان نموده میتواند . با حفظ اهمیتی که آثار علم جغرافیای دانشمندان کلاسیک که مایه افتخارات گذشته ما در این حوزه فرهنگی اند و توانستند در حد امکانات بسیار هم ناچیز شان آثار ارزشمندی درین عرصه علمی به میراث گذارند و در بخش هایی از تحقیقات های علمی محققین منابع ضروری به شمار میروند ولی در ساحات شناخت دقیقتر از موقعیت های جغرافیائی زمین و دیگر سیارات که در گذشته این معلومات ها غالبین از حدودات نظام شمسی ما تجاوز ننموده است ، با احترام و قدردانی به زحمات شان ، منابع ناکافی اند ، با این توضیح که نقشه های دیجیتالی ماهواره ئی که امروز سیاره ما را در بعد های گوناگون بطور بسیار دقیق و واضح تشخیص میدهند را نادیده بگیریم و بدنبال آثار و کتابهای کلاسیک نظیر ، صورالاقالیم ابو اسحاق اصطخری ، صدراالاقالیم ابوزید سهیل بلخی ، صورت الارض محمد بن حوقل ، اشکال العالم احمد بن محمد جیهانی ، مسالک الممالک ابراهیم بن محمد

اصطخری ، آثارالباقیه ابوریحان بیرونی و ده ها آثار این ساحه که البته بدون شک در بسیاری از موارد برای پیشرفت امور علمی از ارزش والائی برخوردار اند متواری باشیم . به همه معلوم است که از گذشته تا حال اکثر دانشمندانی که مخصوصن پیرامون تاریخ ، فرهنگ و جغرافیای پامیر و مردم آن مطالعه و تحقیقاتی انجام داده اند به شمول مؤرخین نامدار افغانستانی خود به این سرزمین سری نزده اند و حتا با مردم با سواد و صاحب معلومات این سرزمین تماس نگرفته اند و قریب همه ی مطالعات شان بیشتر بر روی انباشته های از گفته های آثار گذشته گان و مختصری از توضیحات شفاهی مردم عادی در خارج از منطقه پامیر که غالبن معلومات های غیر مؤثق و خوشبینانه بوده اند استفاده شده است ، امروز که خوشبختانه تعداد زیادی از روشنفکران اهل علم و تحقیق ازین سرزمین سرکشیده اند و در دامن پر از مهر آن دنیا آمده اند حقایق تاریخی ، فرهنگی و جغرافیائی جامعه و محیط خود را بطور طبیعی و واقعی بدون مشکلی بررسی و مطالعه نموده میتوانند و بیشتر نیازی به این و آن نداشته ، میتوانند اشتباهات و کمبودی های تحقیقات گذشته را نقد و اصلاح نمایند چنانچه اصول واقعی تحقیقات علمی نیز بر پایه بررسی های مستقیم و عینی موضوع مورد بحث میتواند واقعیت های مسلم تاریخی و فرهنگی را بهتر و بیشتر برملا سازد که به یقین مورد قبول همه گانیست .



وقتی به این نقشه نظر ببینیم که پامیر مرکز اتصال جبال های با عظمتیست که کوهستانهای بزرگ این منطقه ای از سیاره زیبا و حیات آفرین ما را بهم گره زده است ، و واقعن بام جهان است ، چنانچه از شمال سلسله کوههای تیانشان موقعیت دارند که از حوالی سمرقند تا ترکستان چین امتداد دارند و در جنوب کوه های کوهن لن و قراقرم و همالیا به موازات هم قرار گرفته اند و از شمال غربی به طرف جنوب شرقی امتداد دارند و همچنان از طرف غربی آن ، سلسله کوه های هندوکش و به امتداد آن کوه بابا ، سفید کوه و سیاه کوه و دوام این سلسله تا ایران و دیگر جا ها ادامه پیدا میکند و بدین ترتیب کوه سلیمان به طرف جنوب امتداد می یابد که سرانجام آن به بلوچستان و سواحل بحر هند میرسد ، این کوه ها آفریننده دره های خورد و بزرگ، وادی ها وسیع و شاداب ، رود خانه ها و دریا های بزرگ بوده جمعیت عظیم انسانی را به نام سرزمین های مختلف سیاسی در خود جا داده است ، که از جمله ولایت باستانی بدخشان دو ساحل دریای آمو در قلب پامیر موقعیت دارد که وجه تسمیه نام بدخشان از لعل بدخشان که گوهر ارزشمند قدیمی ترین نام در گنجینه های احجار قیمتیست با دهها گنجینه های معدنی پربها از قلب سلسله کوه های پامیر ، بدست آورده است .

بدخش : فرهنگ لغت عمید (اسم) « بدخشان » (قدیمی ، مجاز)
[badaxš] نوعی لعل که از معادن بدخشان، ناحیه‌ای در شرق افغانستان، استخراج می‌شده

بدخش مذاب : (قدیمی ، مجاز)

شراب سرخ

لعل : صبح ستاره نما ، خنجر توست اندر آن گاه درخش جهان ، گاه بدخش مذاب (دیوان اشعار خاقانی)

باید گفت که مردم بومی پامیرباشنده گان تاریخی این سرزمین اند و گذاشتن نام پامیر خورد و پامیر کلان به دلیل تقسیمات سیاسی این منطقه بین کشور های افغانستان ، تاجیکستان ، جمهوری توده ای چین ، هند و پاکستان است ، قسمتی که بنام پامیر کوچک یاد میشود مربوط افغانستان بوده بدلیل بلندی ارتفاعش از سطح بحر با وجود تلاش های مکرر مدیریت ترویج مدیریت عمومی زراعت ولایت بدخشان افغانستان توأم با زحمتکشی های وطندوستانه و بیدریغ مامورین ترویج زراعت و مالداری وقت هریک محترم عرب شاه خان و محترم علی جناب که شکر پرورگار هنوز در قید حیاتند و در شغلان زندگی مینمایند ، در تطبیق قطعات نمایشی زراعتی با کشت نمونه هائی از حبوبات در دوران حکومت شاهی محمد ظاهر شاه و جمهوری سردار محمد داود این سرزمین نتیجه مطلوب نداد و قبیله ای از قوم مردم قرغز تحت اداره خان رحمانقل بای که درین منطقه سکونت دارند از جمله مهاجرینی اند که ابتدا در مخالفت به پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه به سرزمین چین متواری گردیده بودند و بعدن با پیروزی و حاکمیت انقلاب مردمی در چین بدین دیار مهاجر شده سکونت گزیدند که با پیشه مالداری و فراورد های لبنیاتی ، و تبادل حیوانات و محصولات شان با سایر انواع مواد خوراکی از مناطق همجوار زندگی خود را سرو سامان میدادند ، در دوران حاکمیت شاهی که این نظام با تکیه بر اربابان ، ملکان و خوانین حکومت مینمود این شخص نیز از جمله خوانین مربوط به دربار مانند سایر ملک ها و خوانین صاحب امتیاز سیاسی در منطقه خود بود ، در اثر حسن ارتباطی که به حکومت سردار دادود خان داشت ، تصویر آن با دو فرزندش سوار بر سه راس غرگاو در بانکوت کاغذی پنجاه افغانگی به چاپ رسید ، رحمانقل بای برای بار سوم به نسبت حساسیتش در برابر پیروزی انقلاب هفتم ثور ۱۳۵۷ شمسی در افغانستان ابتدا به پاکستان و از طریق پاکستان به ترکیه مهاجرت نمود ، اما به جز خانواده و دوستان نزدیکش که با او همسفر شدند بقیه باشنده گان هنوز هم درین دیار خنک و بی حاصل از طریق پیشه مالداری با مردم همجوار خود زندگی و ارتباط برادرانه دارند و امروز منحصیث اقلیت های قومی درکنار اقلیت های سایر اقوام پامیری شناخته شده اند .

وقتی به ترقیات و دگرگونی چشم گیر سطح زندگی مادی و معنوی ولایت بدخشان تاجیکستان که در گذشته با مناطق همسرحد قلمرو افغانستانی اش از لحاظ ترق و تمدن تفاوتی نداشت ، نظر اندازیم ، دیده میشود که تمام زیر ساخت های معنوی و مادی این سرزمین از لحاظ داشتن دانشگاه ها ، مکاتب و کودکستانهای مجهز ، شفاخانه های مجهز ، دارو سازی و دارو خانه ها ، خطوط مواصلاتی زمینی و هوایی ، کانالیزاسیون ، استسیشن های برق ، شهر و قصبات مدرن ، زراعت و مالداری میکانیزه ، داشتن فابریکه ها و مؤسسات تولیدی گوناگون ، سالون های مجهز سینما و تلویزیون ، تیاترو دهها امتیاز سوال بر انگیز دیگر که چگونه این منطقه به یکباره و در مدت کوتاه به چنین پیشرفتی دست یافت ؟ بدون شک نقش سیستم دولتی مردمی شوروی تأثیر ارزنده داشته ولی هستند مواردی که استفاده از آنها برای رشد و انکشاف مناطق سرحدی بدخشان افغانستان نیز میتوانند مؤثر و نمونه مثال باشند . چنانچه دیده میشود رهبری حکومت شوروی بطور همه جانبه ، عادلانه و عاقلانه موقعیت دشوار و وضعیت نا مطلوب زندگی مردم این سرزمین را به مطالعه گرفته امتیاز ولایت خود مختار به بدخشان جمهوری تاجیکستان را ، با تأمین ارتباط مستقیم با مسکو مرکز اتحادشوروی وقت که صرف این امتیاز به جمهوری های شوروی داده میشد و گذاشتن نام پامیریان به همه ی اقوام گوناگون باشنده ی بدخشان جمهوری تاجیکستان از جانب حکومت وقت تاجیکستان و حکومت مرکزی شوروی وقت ، با تأیید انستیتوت های پامیر شناسی اکادمی های علوم تاجیکستان و شوروی وقت که عمدتن بدلیل حمایه ، حفظ و حراست فرهنگ گوناگونی اقلیت های لسانی و رفع انواع مشکلات و عقب ماندگی مردم این ولایت بوده است . باید گفت که درین نامگذاری نام بدخشان همچون ولایت و هویت همه ی واحد های اداری یعنی واخان ، اشکاشم ، شغلان ، ونج ، یزگلام ، درواز و مرغاب (قرغیز ها) که هر کدام دارای زبان مخصوص بخود اند ، همچنان زنده و پایدار مانده است که در داخل این ولایت هرکدام این اقوام به هویت قومی و لسانی خود شناخته میشوند ، مگر در خارج از ولایت بدخشان ، همه ساکنین ولایت را مردم دیگر ولایات تاجیکستان و در مجموع سرزمین های سابق شوروی ، تا کنون پامیری خطاب مینمایند که گذاشتن این نام به همه ی این اقوام مبین توضیح هویت گوناگونی فرهنگی مردم این ولایت و در عین حال حفظ ارزش های فرهنگی این اقلیت ها ، تأمین امنیت و حراست از میراث فرهنگی اقوام مختلف بدخشان تاجیکستان را نشان میدهد . که همچون اقلیت های بسیار کوچک در کنار هم و در کنار اقوام بزرگ این سرزمین در امنیت قرار گرفته با حراست از فرهنگ اجدادی و رشد و انکشاف آن برادر وار با هم زندگی مینمایند . ازین همین سبب است که ، همه ی میراث های فرهنگی ارزشمند نیاکان مردم این سرزمین دست نا خورده باقیمانده و بویژه در دوران شوروی انستیتوت پامیر شناسی برای زبان ، هنر و بخش های دیگر میراث فرهنگی مردم این

سرزمین به غیر از مسایل دینی، کار های ارزشمندی را انجام داده است و تاکنون بر پایه این اساس گذاری، جوانان اقوام مختلف این سرزمین مخصوص در بخش زبان و ادبیات زبانهای محلی، تئاتر، سینما، موسیقی، هنر رقص و آواز، لباس و دیگر بخش های کلتور محلی شان علاقه مند بوده در انستیتوت های هنر و موسیقی که به نام انستیتوت های صنعت نامیده میشوند، با تعلیمات علمی مخصوص به فرهنگ پامیر تربیه میشوند که این امر مسبب رشد و انکشاف فرهنگ بومی مردم بدخشان تاجیکستان شده نتایج آن باعث حفظ و غنای فرهنگ پر ارزش نیاکان مردم این سرزمین شده است. چنانچه دیده میشود امروز بخش های وسیعی از هنر موسیقی کلاسیک و دیگر بخش هایی از مسایل کلتوری اجدادی که، در بدخشان تاجیکستان زنده نگهداشته شده اند در ساحل دیگر دریای آمو در میان واخانیان، اشکاشمیان، شغنائیان، روشانیان و دروازیهای ولایت بدخشان افغانستان رو به انقراض بوده جوانان این مسیر به اجرای آنها بیعلاقه بوده و به آنها دسترسی ندارند. و هرگاه وضع بدینمنوال ادامه یابد در آینده های نه چندان دور بخش های وسیعی از فرهنگ ارزشمند نیاکان این سرزمین و حتا زبانهای مردم این دیار نیز در ارازا به فراموشی سپرده میشوند. چنانچه تجربه نشان داده در دنیا به صد ها زبان به چنین سرنوشت شومی دچار شده اند. بیگمان طرز کار و برخورد با فرهنگ بومی اقلیت ملی در ولایت بدخشان جمهوری تاجیکستان بسیار ارزنده و قابل تقدیر بوده بهترین مثال برای حمایه و حراست فرهنگ اقلیت های کوچک باشندگان سرزمین پامیر افغانستان و رشد و انکشاف وضعیت معنوی و مادی آنها شده میتواند.

در شرایط موجود جهانی مخصوص برنامه ریزی های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امپریالیزم جهانی در جهت جهانی سازی سرمایه (گلوبالیزاسیون) که برنامه های آن حتا با مخالفت شدید مردم زحمتکش و طبقه متوسط کشور های امپریالیستی مواجه است، سیطره و تسلط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کنسرسیوم های فراملیتی در جهان حاکم میشود که در نتیجه امپریالیسم فرهنگی این اژدها، با تکیه به اقتدار اقتصادی و سیاسی برای قبولاندن ارزش های فرهنگی متعلق به شیوه قدرت طلبانه و استعمار گرانه خود در میان مردم جوامع مختلف دنیا بطور مستقیم و غیر مستقیم به فرهنگ جوامع یورش برده با ترویج الگو های فرهنگی اش، این جوامع را به خود بیگانه گی فرهنگی آغشته و مبتلا میسازند، که در نتیجه آن فرهنگ های ارزشمند ملی گرایانه جوامع مختلف تحت سیطره قرار گرفته به تدریج ضعیف و سرانجام رو به انقراض میروند، و درین میان زبانهای کوچک مردمان مختلف دنیا مخصوص زبانهای موجود در پامیر که تا کنون به نسبت صعب العبوری درین گوشه دنیا از هجوم فرهنگ بیگانه در پنا هگاه های دره ها و سلسله کوه های پامیر در امان بودند و با تأسف که از الفبا و کتابت بی بهره اند، هرگاه ذریعه نسل های آگاه، متعهد و دلسوز حمایه و تقویه علمی و تخصصی نشوند بیشتر و پیشتر از همه گزند پذیر اند، علی الخصوص چنانچه دیده میشود متأسفانه حتا تعدادی از روشنفکران دست اول این سرزمین و قتیکه در شهر ها زندگی مینمایند در کانون خانواده های خود به زبان های مسلط کشوری گفتگو نموده با بی اهمیت جلوه دادن زبان اجدادی، اطفال شان را از زبان مادری شان محروم ساخته اند و این متأسفانه آغاز جاری ساختن سیلاب به بنیاد دیوار این زبانهاست. درین زمینه به این نکته باید توجه داشت و نباید فراموش کرد که البته، پدیده جامعه و فرهنگ مدرن که یک مسئله فرا جامعه ای فرا منطقه ای و فرا تمدنی است و مورد توجه انسانها و کانون های فرهنگ جهانی قرار گرفته و خواهد گرفت، بدین ترتیب جوامع گوناگون دنیا نا گذیر اند تا برای جلب، جذب، بهره برداری و همچنان تبادل دستاورد های مثبت فرهنگی جوامع گوناگون در معامله قرار گیرند و این یک موضوع قابل تأیید برای همه است، لیکن نباید این گونه رابطه و معاملات را با جهانی شدن نفوذ و سیطره سیاسی و اقتصادی کنسرسیوم های غارتگر که محیلا نه هست و بود دستاورد های فرهنگ ارزشمند مادی و معنوی و در مجموع هستی مردم جهان را برای سود و حاکمیت خود پایمال مینمایند، یکی دانست، پروسه جهانی شدن فرهنگ مدرن که محصول ابتکارات انسانها در اعصار مختلف است و با گفتمانهای انسانی توأم با احترام متقابل در قالب تبادل تمدن جهانی در میان جوامع مختلف جهان صورت میگیرد، با جهانی شدن فرهنگ غرب در زیر ساطور کنسرسیوم های استعمار گر، یکی دانست، بدون تردید، روشن است که این دو شیوه باهم نه تنها یک تفاوت اند بلکه در تضاد هم قرار دارند. همچنان قابل تذکر است که بخشی از سنت ها، آداب، رسوم، باور ها نیکه بصورت شفاهی به نسل ها منتقل شده باعث ادامه عقب ماندگی، اقتصاد فقر زا، در جوامع انسانی شده و سد راه تحولات مثبت اجتماعی میشوند، بدون شک اصلاح چنین پدیده ها با جاگزینی عناصر مثبت و مدرن فرهنگی معاصر، امر ضروری و اجتناب نا پذیر میباشد، مزید براینها قابل حسن تذکر و توضیح است که نحوه زندگی انسانها که در موقعیت های متفاوت جهانی زندگی مینمایند سبب ایجاد فرهنگ های خاص آن جوامع میشود و بدان سبب هر گروه، طایفه و اقوام و سرانجام ملل دارای فرهنگ ویژه خود میشوند و فرهنگ هر بخشی از کتله های انسانی برای شان عزیز و قابل احترام بوده در جهت رشد، انکشاف و تکامل آن تلاش مینمایند، درین میان فرهنگ متعالی و نخبه در جهان وجود ندارد که واجب الاحترام و واجب الاطاعه به همه باشد و تا کنون در جوامع سیاسی، اجتماعی و علمی جهانی، فرهنگی به نام فرهنگ متعال و نخبه پذیرفته نشده است و همچنان هرگز پذیرفته نخواهد شد، هر کدام از دستاورد های فرهنگی جوامع مختلف دنیا در آسمان فرهنگ جهانی همچون ستاره های درخشان از ارزشمندی ویژه خود برخوردار و باعث شکوه، عظمت، غنا مندی کثرت گرایانه

فرهنگ جهانی شده هویت متنوع جوامع گوناگون انسانی را معرفی مینمایند ، و بدینگونه فرهنگ ها با وجود همگونی ها و تفاوت های میان خود ، شیوه ها و دیدگاه های مختلف فرهنگ جهان را توضیح و منعکس می کند ، و هر کدام در جای خود و در مقیاس جهانی از ارزشمندی خاصی برخوردار میباشند . ازینکه درین مقطع از فرهنگ یاد نمودیم لازم است مفهوم این واژه گرانها را تعریف نموده و مختصرن توضیح نماییم :

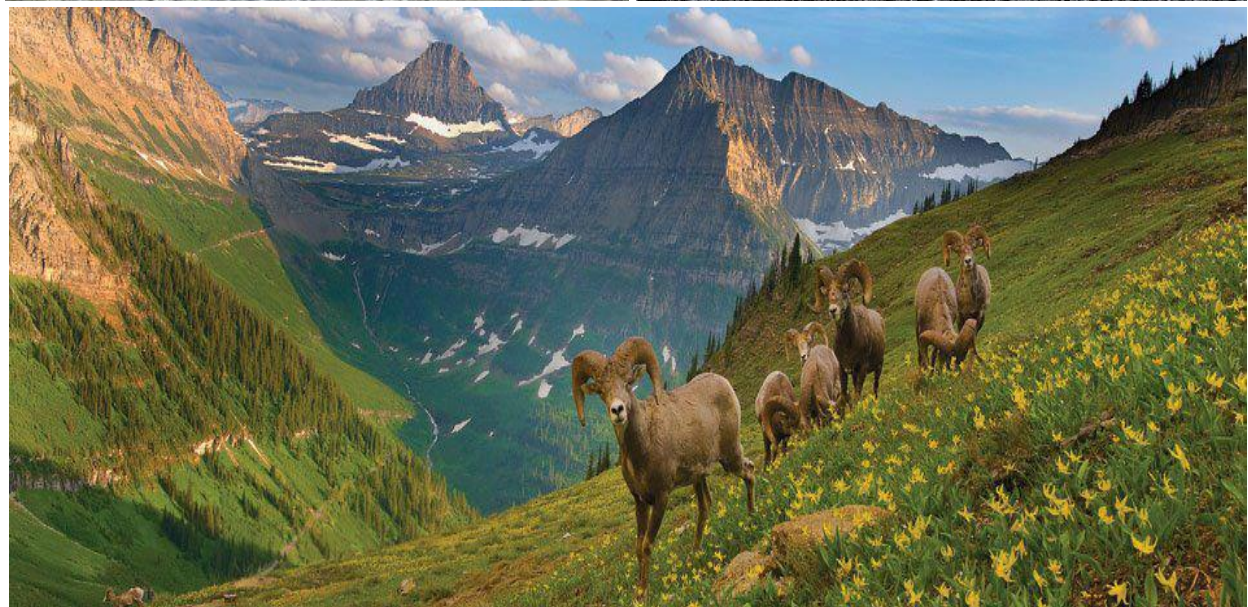
واژه فرهنگ در لغت نامه های معتبر زبان پارسی بطور مختصر و مؤجز تعریف شده است ، چنانچه در لغت نامه فرهنگ فارسی معین آنرا به دو واژه **فر** و **هنگ** ، به معنای **ادب** و **پروش** معنا نموده است و به همین طور در دیگر لغت نامه ها بطور مثال در فرهنگ نامه تألیف فرج الله خدا پرستی بطور جامع تر بیان شده است :

۱. دایره المعارف ، قاموس، لغتنامه، مرجع ، معجم * ، واژگان ، واژهنامه
۲. آدابانی، ادب، تربیت
۳. آموزش ، پرورش و معارف
۴. ادبیات ، بینش ، تمدن ، خرد ، دانش ، علم ، فرهیختگی ، فضل ، معرفت ، معلومات

* معجم (مُ ع ج) [ع .] (ا م ف) . کلمه ای عربی که با تغییر و تصرفی به پارسی درآورده شده باشد

اما تعریف علمی و جامع فرهنگ در کانون های آکادمیک و دانشگاهی مخصوصن در حوزه های جامعه شناسی فرهنگی با وسعت بیشتری بازتاب یافته که عبارت از (**مجموع دستاور های مادی و معنوی انسانها در طول تاریخ انسانی و بشری میباشد**) همچنان در دایره المعارف فلسفی کنستانتینوف فرهنگ چنین تعریف و توضیح شده است : مفهوم فرهنگ شامل دو جهت مادی و معنوی است. **مفهوم مادی فرهنگ** بیان سطح توانایی بشر در رابطه با نیروهای طبیعت است ، فرهنگ مادی بیانگر اعماق درک طبیعت و جامعه ، وسعت نگرش ، اندیشه ترقی خواهانه و دانش آدمی است . مهمترین نشانه ی فرهنگ مادی ابزار کار و محصول دستاورد های آن است که شامل بنا ها و آبادات تاریخی ، موزیم ها ساختمانهای بزرگ و باعظمت ، مراکز بزرگ علمی تحقیقاتی ، کتابخانه ها ، مراکز بزرگ هنری ، مراکز بزرگ صنعتی ، شاهراها ، پل های تاریخی و مستحکم و امثال اینها میشود . **فرهنگ معنوی** شامل دستاوردهای جامعه در زمینه اخلاق، هنر، دانش و فلسفه است. فرهنگ معنوی همچنین بیانگر اندیشه های سیاسی، حقوقی و نیز پیشرفت های سیاسی و روابط حقوقی میان آدمیان است. فرهنگ معنوی برای تشخیص میزان دستاوردها در امر پیشرفت مناسبات اجتماعی، سیاسی و حقوقی به کار گرفته میشود .

با این توضیحات میتوانیم این بحث را چنین خلاصه نماییم که **فرهنگ معنوی** عبارت از مجموعه ی از پدیده هائیکه بطور محسوس نبوده از لحاظ کمی و کیفی قابل اندازه گیری نمیشاند مانند رسم و رواج ، عادات ، باورها ، دین ، اخلاقیات ، هنر ، زبان و ادبیات ، آثار هنری و ادبی ، دانستنی های فلکلور ، علم و آثار علمی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی ، نظامی و فلسفی و امثالهم اند که عمدتن بوسیله زبان و نوشتار ایجاد میشوند . **فرهنگ مادی** به پدیده هائی اطلاق میشود که قابل محسوس و قابل اندازه گیری با موازین کمی و علمی بوده نسلی به نسل ایجاد شده به آینده گان شان به میراث میرسند این ها اشیای بیشمار میباشند ، و نمونه های عمده شانرا میتوان از ابزار و وسایل کار وسایل کشاورزی ، صنعتی ، ساختمانها و بناهای ی صنعتی ، کتابخانه ها ، موزیم ها ، تیاتر و سینما ، داروهای طبیعی و شیمیایی ، وسایل و تجهیزات پزشکی ، وسایل و تجهیزات صنعتی ، لباس ، لوازم منزل و خلاصه کلیه دستاورد های مادی و تکنالوژیکی در جوامع مختلف دنیا میباشند که در مجموع هویت فرهنگی اقوام و ملل دنیا را تشکیل میدهند . لذا فرهنگ نظام پیچیده و پویانیت که در جریان رشد و تکامل وجود اجتماعی انسان برای سازگاری و انطباق هر چه بهتر و بیشتر با محیط طبیعی و اجتماعی و ادامه زندگی عالیترو خلاقانه در قالب حساسیت های شعوری در وجود باور ها ، معتقدات ، عنعنات ، هنر ، علم ، سیاست ، فلسفه و امثالهم توسط انسانها آفریده و پرورش یافته از نسلی به نسلی دیگر به عنوان میراث فرهنگی نیاکان انتقال یافته مجموعه ای از افکار سیاسی ، اجتماعی اقتصادی را در قالب مناسبات حاکم بر شیوه تولید احیا و بر پایه آن رابطه های فرهنگی گذشته و جدید انسانی را به هم پیوند داده جامعه ویژه را معرفی و زمینه رشد و تکامل روند زندگی انسانی را در عرصه های مختلف هموار نموده ، مفهوم و ماهیت عینی انسان را در جهان هستی ، پایدار نگهدارد .



نخچیر پامیر معروف به آهوی مارکوپولو



جهیل شیوه شغنان (جهیل بدرالجمال)



با این نتیجه گیری بسیار مختصر واضح میشود که توجه به همه ی امور فرهنگی مخصوصن زبان و نام گذاری های واقعی که بیشتر به مقوله فرهنگ ، بویژه به زبان و ادبیات و هنر مربوط میشوند ، بانیستی اهمیت داده شود و عمدتن این نام گذاری ها چنانچه در جهان معمول است ، باید واقعیت های فرهنگی جامعه را متبلور سازند . در مورد پیدایش هر زبانی ومخصوصن زبانهای پامیری که به بحث همه جانبه و در خور نوشتار مخصوص بخود نیاز دارد ، درین بحث نمی پیچم ولی اشارتن قابل بیان میدانم که هر زبانی بر مبنای احساس ، ضرورت به تأمین مفاهمه و ارتباط میان انسانها مخصوصن در اثنای رویا روئی ، ملاقات ها و دید وادید های مردان با زنان ، تأمین رابطه عواطف طبیعی با اطفال و رویا روئی گروه های بشری همنوع باهم که اشد ضرورت مفاهمه را ایجاب مینمود و در اوایل صرف با حرکات و نوعی اشارات و آواز های بخصوص آغاز شده بوده است و همچنان برای رفع نیاز های زندگی روزمره و دفاع جمعی از خود با انتباه از صداهای حاصل در طبیعت ، و صداهای پرنده گان و حیوانات ، انسانها به تدریج با فریاد ها و تولک ها (اشپلاق ها) و صدا های معنا دار خود ، حیوانات و اشیای محیط ماحول خود را نام گذاری نموده به تدوین زبان آغاز نمودند که نخستین قدمه های زبان سازی از اشارات و حرکات توأم با صدا به مانند گفتگوی میان نا شنونده گان امروزی البته نه بصورت حرفوی امروزی بلکه بطور غیر حرفوی و نخستین القبای زبانها ، ترسیم انواع خطوط و علامت های تصویری بودند ، که تعدادی ازین علایم و خطوط در مغاره هائیکه محل بود و باش جامعه ی ابتدائی بشری بوده و بر روی سنگ ها حک شده ، تا کنون در جا جای جهان موجود اند و این شیوه همچنان در داستانهای مصور ، فلم های سامت هنری ، اشتهاارات معاملاتی در مکانهای عمومی و مخصوصن ترتیب و تنظیم قواعد راننده گی مورد بهره برداری قرار میگیرند ، و هاکذا امروز با انتباه ازین روش ، بسا واقعیت های جامعه از طریق تابلو های هنری هنرمندان و ایجاد تصاویر کارتونی بطور طنز گونه در وسایل ارتباط جمعی به نمایش گذاشته میشوند که مؤثریت فوق العاده بر بیننده گان ایجاد مینماید ، و مهمتر از همه نیاز به ترجمان ندارد و بدین ترتیب با ده ها عوامل دیگر که در ایجاد زبانها دست به دست هم داده به هزاران زبان در گوشه گوشه دنیا ایجاد گردیدند و به تدریج تکامل نموده به درجه عالی رسیدند و همچنان به صد ها زبان در دنیا تا کنون منقرض شده اند و این پروسه جریان دارد ، انقراض هر زبان به هر نحوی و هر علتی که صورت می پذیرد در واقعیت نوعی فرهنگ زدائی و قوم کشی بوده و ضربه ای به دستاورد های فرهنگ بشری میباشد ، باید گفت که زبان مادری در هر سطحی که باشد ، به انسان قابلیت های بزرگی را میسر میسازد که با نابودی آن ، انسان این قابلیت را از دست میدهد . این بحث را با آنکه بنا به اهمیتش بسنده نیست ، خلاصه نموده بیان میداریم که زبان منحيث وسیله بسیار با اهمیت از ابتدا تا امروز در بیان احساسات ، عواطف ، اندیشه ها ، افکار ، هنر ، علم و فنون ، فلسفه و امثال آن نقش های بسیار کلیدی و با اهمیتی را احیا نموده و در حقیقت ممثل بیان فرهنگ بشری در طول تاریخ جوامع انسانی میباشد . زبانهای پامیری با دلایلی که بیان شدند و حتمن ده عوامل دیگر ، در لابلای وادی ها ، دره ها و دامنه های کوه های سر به فلک و مشکل گذر پامیر در میان باشنده گان این سرزمین بوجود آمده اند و هرکدام تا کنون محفوظ مانده اند ، قرار تحقیقاتی که زبان شناسان به عمل آورده اند ، چنین نتیجه گیری نموده اند که : (این زبانها مربوط به بخش شرقی زبانهای آریائی میباشد) . (تاریخ باستان شغنان ص ۱۱۰ دکتر خوش نظر پامیر زاد)

چطوریکه پیشتر نیز در مورد نامگذاری اشاره نمودیم انسانها از بدو آغاز نامگذاری ها در انتخاب نام به فرزندان ، مکان ها و طبیعت اطراف خود پیوسطه از اوضاع مؤثر فرهنگی بهره گیری نموده اند ، نام گذاری اطفال که معمولن از ادبیات ، تأریخ ، مذهب و طبیعت تأثیر پذیر بوده ودر انتخاب نام مکانها بیشتر ، با نام زبانها معمول بوده است ، بطور مثال شغنان ، واخان ، تاجیکستان ، ازبکستان و غیره ولی بطور اخص ولایت بدخشان که خود از وجود معدن لعل در سرزمین خود وجهه تسمیه یافته است به استثنای ، منجان ، واخان ، یزگلام ، اشکاشم ، شغنان ، روشن ، فیض آباد (بدلیل خرقة مبارک ، در گذشته بنام جوزگون بوده است) دیگر همه ی واحد های اداری و قرأ آن از نام مناطق مربوط شان استفاده شده است (ارغنج خواه ، آرگو ، بهارک ، تگاب (کیشیم بالا) ، تیشکان ، جُرم ، خاش ، خواهان ، دَرایم و مایمی ، نسّی ، راغستان ، زیباک ، شِکی ، شهدا ، شهر بزرگ ، کران ، کیشیم ، کوفآب ، کوهستان ، وِردوج ، یوان . یقتلِ پایین ، یَمگان (گیروان)

چون ولسوالی های واخان ، اشکاشم ، زیباک ، منجان ، شغنان و روشن در ولایت بدخشان افغانستان با داشتن زبانهای مخصوص به خود شان در دامنه های کوه های پامیر زندگی مینمایند ، با داشتن وجوهات بسیار مشترکی که بین مردمان این سرزمین وجود دارد ، گذاشتن نام زبانهای پامیری به این زبانها در واقعیت وسیله اتحاد و همبستگی زبانهای مختلف این سرزمین که حوزه فرهنگی دست ناخورده را درین منطقه ای از جهان تشکیل داده اند و همچنان برای تضمین حفاظت و پایداری شان ازگزند حوادث زمان ، ایجاد زمینه برای مطالعات ، تحقیقات و زمینه سازی ها برای رشد و تکامل این زبانها ، همچون چتری امنیتی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است ، چنانچه این کار عاقلانه با تحلیل اکادمیک دلسوزانه در جمهوری تاجیکستان سالها پیش برای حفظ مصونیت ، رشد و تکامل زبانهای اقلیت پامیری و در مجموع فرهنگ دست ناخورده این سرزمین برای مردم آندیار انجام یافته بود ، قسمیکه در توضیحات پیش به آن اشاره نمودیم ، نتایج مثمیری داده است ، بدینمنوال به رسمیت شناختن زبانهای پامیری

در قطار دیگر زبانهای برادر در افغانستان مصوب لویه جرگه و پشتیبانی دولت جمهوری اسلامی افغانستان از این فیصله ، دستاورد بزرگ و در خور افتخار برای منسوبین این فیصله و همچنان دستاورد بزرگ برای مردم این سرزمین در طول تاریخ است .

مزید بر آن نام پامیر ، نه تنها از لحاظ داشتن ارتفاعات بلند قلعه های شامخش دنیا بلکه با داشتن علوفه جات و گیاهای بینظیر دارویی آنهم بطور اعجاز آمیز در ارتفاعات بلند ، معادن دارای احجار قیمتی ، فلزات و عناصر کمیاب ، حیوانات کوهی نادر ، نام پر آوازه جهانپست ، در دنیا کسی که اندک ترین سواد داشته باشد با نام بزرگ و با عظمت پامیر همچون بام جهان بطور حتمی آشنا میباشد ، این نام در واقعیت نام سرزمین مادر برای همه سلسله کوه ها و وادی ها و دره های سرسبز و شاداب خود است ، همه ی مناطقی که در مسیر حرکت دامنه های سلسله کوه های پامیر قرار دارند با حفظ افتخارات فرهنگی شان از موقعیت مرکزی پامیر فیض برده اند .

باید خاطر نشان نمود که در پناه این نام هویت هیچ زبانی و هیچ قومی و هیچ منطقه ای زیر سایه نمی ماند ، ولی گذاشتن هر نامی از هر یک از این زبانها و یا قومی ، به جای زبانهای پامیری هویت دیگران بطور روشن زیر سایه و تاریکی قرار میگیرد و حتا بطور قطع نا دیده گرفته میشود . درین مورد تعدادی از شخصیت های علمی و روشنفکران با فهم و درک این سرزمین بطور بسیار مختصر و مؤجز در صفحه اجتماعی فیسبوک ابراز عقیده نمودند و این گفتمان دوستانه این برادران خردمند ، برای من نیز انگیزه داده واداشت تا شریک بحث شده مروری مختصر درین باره نمایم ، با سپاس از نظریات مخلصانه و عالمانه این عزیزان مبنی بر ابراز نظریات دقیق و سودمند شان که نمونه ی از احساس همه ی روشنفکران و مردم این سرزمین است خواستم نظریات شانرا درین نوشته شریک نموده از صفحه اجتماعی انترنیتی کاپی نمایم :

- [ابراز نظر محترم کریم نوجو که مینویسد :

جوانان عزیز وگرامی به شمول جعفریان و عزیز علی شاه جان ! با احترام به احساس نیک و دانش پویی تان ؛ اجازه دهید طور فشرده درک و برداشت خود را از کلمه "پامیر" واضح سازم . قبل از همه باید تصریح کرد که پامیر نه هویت قومی است و نه مذهبی ، تعریف پامیر را در همه نوشته ها و بررسی ها چنان میدانیم که یک مکان و محل است با ارتفاعات بلند و وادی های دارای آبهای زلال و مبداء دریای پنج یآمو و در دامان خود حیوانات مشهور و نادر را می پروراند که ازین درک شهرت جهانی پیدا کرده است، جغرافیه دانان مناطق شمال ، جنوب ، غرب و شرق که به نحوی از پامیرات امتداد یافته آنرا حوزه پامیر میدانند. درین حوزه هفت یا هشت زبان وجود دارد و فرهنگ و معیشت شان باهم نزدیک است ، از لحاظ مذهبی % ۹۰ پیرو شیعه امامیه اسماعیلیه هستند. این اقوام از لحاظ اتنیکی به نژاد آریایی تعلق میگیرند و تا اکنون هویت مستقل را بنا بر شرایط جغرافیایی و محصور در میان اقوام تاجیکان و ترکان و اعمال تبعیض و ستم از طرف دولتهای مستبد و قوم پرست کسب نکرده اند . ترک تباران در حالیکه از یک نژاد اند و زبان های شان یک ریشه دارد اما به طور جداگانه با هویت (ازبک،ترکمن، قرغز، قزاق...) شناخته می شوند، اگر اقوام پامیری(منجانی،زیبایی،اشکاشمی، واخی،شغنی) مر بوط به قوم بزرگ تاجک باشند با داشتن فرهنگ و زبان مستقل چرا هویت نداشته باشند؟ بنا" ضرورت است که به خاطر اتحاد این اقوام یک هویت مکانی یا ظرفی تعریف شود که به مثابه چتر در زیر آن خود را پیدا کنند. وپامیر شناخته ترین نام است که پامیریان وارث آن اند.

محترم حسینی حسینیار مینویسد :

جناب نوجو درود ! جای تعجب و تأثر است که عده ی چرا در مقابل نام پامیر حساسیت دارند. به این دوستان گفتنی است که درینجا کدام هدف سیاسی نهفته نیست. دوستان مطمئن باشند که کسی با تاجیک بودن ، بدخشی بودن و شغنانی بودن تان کاری ندارد. مقصد چیز دیگر است. لطفا لجبازی نکنید. شما هم خوب میدانید و ما هم میدانیم که مسئله چیست. ما نمیخواهیم غرض کشیدگی که بین دو فلان و بهمان است به نفع کسی حقایق را کتمان کنیم.

در اکادمی علوم فرهنگستان روسیه دیپارتمنت پامیر شناسی موجود است. حتا در خیلی از دانشگاههای بزرگ دنیا دیپارتمنتهای با همین نام فعال اند که فرهنگ و زبان اهالی این منطقه را مطالعه میکنند. یکی از اساتید دانشگاه " کانکاردیا" در شهر مانتریل - استان کیوبیک کشور کانادا در زبان روشانی تز داکتری دفاع کرده است. آیا این استان گور بگور و بدبخت هم قصد دارد تا اذهان جوانان آگاه شغنانی ما را مخدوش کند. خیلی هم مضحک و خنده دار است. بهرحال داریم "دموکراسی" و "آزادی بیان" را تمرین میکنیم ، هرکسی هرچه که دلش خواست میتواند بگوید ، چه قالب فکاهی چه در قالب حرفهای جدی .

محترم جاهد امامت مینوسند !

من شخصاً در بعضی از مطالب خود به تعدادی از برادرانم نوشته کردم که درین جای شکی نیست که شما کی هستید و ما کی هستیم هرکسی که هستیم باز هم با هم یک برادر، از هر دری که وارد بحث شده ام حرف های منطقی دوستانم را پذیرفتم، نقاط افتراق و اشتراک بحث را هم در جوانان و هم در بزرگان دیده ام ولی زیادتین جوانان زیر خطاب قرار گرفته اند و تعریفی که نوجو صاحب ارائه کردند از سالهای قبل مورد قبول و پذیرش شخص خودم بوده است و باعتبار این تعریف از پامیر روحیه خود را از دست نخواهم داد و این تقسیم بندی یقینم را بیشتر از پیش تحکیم بخشید اگر گستاخی نشود من پامیر را از آن تقسیم بندی که نوجو صاحب کردن نیز بزرگ ترمی بینم چیزیکه استادام حسین یار حسینی مطرح کردند، ما دارای فرهنگ مشترک و زندگی مشترک در حوزه پامیر هستیم سپاسگذارم از وکلای حوزه پامیر که در لویه جرگه نامی از زبان پامیر و اقوام پامیر در قانون اساسی تذکر داده اند پس بر ماست تا مطابق به قانون اساسی کشور حرکت کنیم و حقوق اقلیت ها را ازین طریق کسب نماییم ولی متأسفانه تا توانسته باشیم ازین طریق خود را در آیین دولت ببینیم دچار عقب نشینی بعضی از دوستان شده ایم یا اینکه نسبت بخل و حسادت نمیخواهند کسی از حقوق شهروندی خود در پرتو قانون استفاده کند و یا اینکه زیر تأثیر اوضاع نابسان گذشته که ستون فقرات هر باشند آن حوزه را شکسته است نمیخواهند وارد میدان شوند

محترم حسینی حسینبار مینویسند !

جناب نخبه سلام با احترام به دیدگاه شما و آن دانشمند بزرگ میخوام یک مسئله خیلی کوچک را دوستانه بیرسم. نخست اجازه دهید یک پرانتز باز کنم و یک مقدمه کوچک خدمت تان ارائه کنم. درینجا بحث بر سر حوزه فرهنگی است نه وجه تسمیه و نه هم هویت قومی و نه هم نظام اداری .

حوزه فرهنگی که بیشتر متکی بر انترپولوزی یا بشرشناسی است ، زبان، موسیقی، خرافات و باورها ، امثال و حکم ، سیماسناسی ، تاریخ و جغرافیا و اقتصاد و پیشه و ... یک و یا چند قوم را که در عرصه های متذکر با هم شباهت دارند مطالعه میکند.

واخان، اشکاشم، شغنان و روشان (بشمول بجو، خوف و برتنگ) و یزگیلام از نظر زبانی، فرهنگی و غیره خیلی شبیه هم اند. برای آسان ساختن مطالعه این حوزه را از نظر علمی پامیر میگویند.

میخوام باز هم عرض کنم کسی تلاش نکرده و حتا در ذهن کسی خطور هم نکرده که نام قومیت شما که شغنانی است آن را به پامیری عوض کند. درچوکات همین حوزه شغنان بجای خود، اشکاشم و واخان هم بجای خود باقی میمانند. حالا پرسش من از شما این است. به نظر شما این حوزه تمدنی و فرهنگی را با این همه تشابهات که بین این اقوام وجود دارد چه بنامیم ؟

شغنان یا اشکاشم و یا واخان و یا هم چیز دیگری؟

ببینید وقتی که میگویند تمدن آشور، کلد، ماورالنهر، بین النهرین و یا تمدن چین و ایران. این که مربوط به یک قوم نمیشود. اقوام پامیری درین سرزمین در طول تاریخ تمدن آفریده اند و در آفرینش تمدن بشری و حتا تمدن اسلامی سهم فعال داشته اند. بدین سبب دست آوردهای مشترک این اقوام تحت نام فرهنگ و تمدن پامیر به جهان معرفی میکنند. اگر توجه کرده باشید همیشه اقوام گفته میشود نه قوم. لطفا کمی دقت کنید. عجولانه قضاوت نکنید. با خواندن یک مقاله که فاقد منابع و مآخذ معتبر است و فقط طرز دید و بینش یک شخص را متبلور میکند، قضاوت نکنید. در بالا در یک کامنت دیگر به اندازه کافی منابع علمی و پژوهشی را ذکر کردم. اگر به این منابع مراجعه فرمایید سوتفاهم رفع خواهد شد. [...

همه نظریات این بزرگواران که افتخار جامعه روشنفکری ما اند ، بدون تردید بر پایه واقعیت های عینی جامعه ما استوار میباشند.

بطور عموم خلاصه مینمائیم که در همه جهان و در همه ی فرهنگ های مردم دنیا در زمینه انتخاب نام برای فرزندان ، مکانهای فرهنگی ، جاده ها ، کوچه ها ، دهات ، نواحی ، شهر ها ، ولایات ، کشور و غیره از فرهنگ مربوط به خود بهره میبرند و نامگذاری های مهم منطقوی ، محیطی و ملی در حیطه زمان و مکان نظر به احساس ضرورت و رفع احتیاج با پیش آمد های حوادث گوناگون تاریخی ، سیاسی ، اجتماعی و در مجموع فرهنگی به اراده عمومی مردم تعیین و تصویب شده و گاهی به

نسبت بروز عوامل گوناگون مخصوص تأثیرات اقتدار گرایانه سیاسی به کرات تغییر می‌خورند، اما در مجموع این نامها، جزو ثروت فرهنگی هر قوم و ملت به حساب می‌آیند. برای اینکه نام زبانهای پامیری در گذشته بنا به موجودیت سیطره حکومت های استبدادی، تک قومی و فرهنگ ستیز این حق را به این اقلیت های کوچک زبانی کشور نداده اند و برای آنکه در فلان تاریخ و فلان جغرافیه چیزی درنمورد نوشته نشده، این حق طبیعی و مسلم را ازین مردم مظلوم سلب نمائیم و یا با این طرح به جای پشتیبانی، اظهار مخالفت نمائیم، نه تنهائیکه بی انصافی، بلکه جفای بزرگی را در حق مردم این سرزمین روا دانسته ایم، مزید بران، چنانچه همه میدانیم که در جهان به هزاران نام تازه بوجود می‌آیند و روزانه به هزاران نام از صفحه روزگار پاک میشوند، چنانچه در همین سرزمین پامیر، بلند ترین قلعه آن بنام لنین گذاشته شده بود و امروز بنام اسماعیل سامانی نامگذاری شده است، و به ده نمونه را میتوانیم حتا طی سه دهه اخیر در کشور خود مان بیابیم. اما بدون کوچکترین شک و تردید گذاشتن نام زبانهای پامیری بالای زبانهای که در طول تاریخ در گوشه گوشه پامیر این سرزمین پرغرور بوجود آمده اند و قرنهای به زندگی طاقت فرسای خود ادامه داده از گزند حوادث پر خطر خویش را بدین عصر انسانی رسانیده اند، این نام دیگر برای شان نام جاویدانه و ابدی خواهد ماند چنانچه امروز در همه ی اکادمی های علوم جهان این زبانها به این نام شناخته شده اند و در مورد شان به ده ها محقق و کارشناس زبان با این نام (زبانهای پامیری) ساکن در محدوده سیاسی سرزمین های تاجیکستان و افغانستان، و دیگر کشورهای همجوار تحقیقات علمی مینمایند، محققین جهان پامیر را با موقعیت استثنائی و مرتفعی که دارد، منحیت نزدیک ترین گذرگاه به خورشید یا قدمگاه مهر (خورشید) در سیاره بی همتای ما نامیده اند، نظر به برآورد های تحقیقات های علمی (نخستین سکنه های انسانی از نژادآریائی ازین معبر گذشته و به دیگر نقاط جهان پراکنده شده اند، چنانچه پیرامون توضیح این موضوع تاریخی در کتاب تاریخ باستان شغنان اثر دکتور خوش نظر پامیرزاد بحث مفصلی با استفاده از نظریات محققین شهیر داخلی و خارجی صورت گرفته که ازجمله نظر مؤرخ بزرگ افغانی دکتر احمد علی کهزاد (۱۲۸۷ - ۱۳۶۲ خورشیدی) و همچنان ادوارد گراتویل براون خاور شناس و محقق مشهور ایران شناسی (۱۹۲۶ - ۱۸۶۲ متولد انگلستان) از قول ویلهم لودویگ گایگر (۱۸۵۶ - ۱۹۴۳) از نورنیوگ آلمان خاور شناس محقق بزرگ زبانهای ایرانی و هندی و همچنان زبانهای پالی، و دیوهی از زبانهای مالدیو مینویسد که: (**آریانا ویجه یا ایرانیوچ در ناحیه پامیر است.**) ادوارد براون: تاریخ ادبیات ایران، تهران ۱۳۵۵ ج اول ص ۴۱. اقتباس از تاریخ باستان شغنان ص ۶۸ نام و جایگاه پامیر بویژه صرف نظر از آنکه به کدام نژاد، قوم و زبان وابسته هستند و بوده اند و این موضوع مورد بحث این نوشته نیست، برای همه مردم آشنا به این سرزمین استثنائی سیاره ما، مخصوصن برای بومیان و باشندگان حاضر درین گوشه پامیر، همچون سرزمین اجدادی قابل مباهات، تمجید و افتخار است.

همچنان موضوع تشکیل واحد های ادرای در سطح ولایت برای مردمان سرحدی ولایت بدخشان تحت عنوان **ولایت های پامیر و ولایت درواز** از اشد نیازمندی های مردم ساکن در سرحدات دور دست و صعب الزندگی و صعب العبور است، در افغانستان تاکنون که ولایات گوناگونی نظیر ولایت پنجشیر، ولایت نورستان، ولایت کنرها، ولایت خوست، ولایت دایکندی، ولایت پکتیکا، ولایت زابل، ولایت سرپل و امثالهم بمنظور حل مشکلات بخصوص مردمان این ولایات ایجاد شده اند. علل اساسی ارتقای این مناطق از کشور به سطح تشکیلات ولایتی بطور عمده توجه و دسترسی مستقیم دولت به این مناطق با تخصیص بودجه بخصوص برای رفع نابسامانی ها و عقب ماندگی این مناطقی از کشور بوده است، تجربه نشان داده است با ادامه وضعیت تشکیلاتی موجود مخصوصن ولایت بدخشان در ارتقای وضعیت اجتماعی، اقتصادی و رفع عقب ماندگی مردم ولسوالی های سرحدی بدخشان مانند گذشته کدام تغییری رونما نخواهد شد، برای این مناطق تجربه به عمل آمده در بدخشان جمهوری تاجیکستان بهترین نمونه مثال واقعی بوده میتواند، چنانچه در دوران اتحادشوروی بنا به وضعیت زندگی مردم وموقعیت جغرافیائی خاص واحد های اداری سرحدی ولایت بدخشان تاجیکستان که عین شرایط اقلیمی و جغرافیائی واحد های اداری بدخشان افغانستان را دارا میباشند، ولایت بدخشان تاجیکستان در وجود ناحیه های واخان، اشکاشم، شغنان، روشان، ونج، درواز و مرغاب (باشندگان اقلیت قرغز تبار) به حیث ولایت خود مختار در تشکیل حکومت مرکزی اتحاد شوروی مانند یکی از جمهوری های اتحاد شوروی پذیرفته شده بود، پذیرش این چنین موقف اداری بزرگ به این ولایت که ساحه و نفوس آن بمراتب کوچکتر و کمتر از ولسوالی های سرحدی (واخان، منجان، زیباک، اشکاشم، شغنان به شمول شیوه، روشان، مایمی، نسی، شکی، کوف آب، و خواهان) ولایت بدخشان افغانستان است، به خاطر موقعیت فوق العاده کوهستانی و صعب العبور که شرایط مخصوصن در ساحه ساختمان راه سازی، انکشاف زراعت و مالداری، صنعت، معارف، حفظ الصحه، اعمار شبکه های برق رسانی و ده ها مشکل اجتماعی و اقتصادی را دارا بودند و توان رفع مشکلات مردم این سرزمین از عهده حکومت جمهوری تاجیکستان وقت پوره شده نمیتوانست، دولت اتحاد شوروی انجام همه ی امور را در زمینه رشد و انکشاف ولایت بدخشان را به خاطر رفع و حل این مشکلات به عهده دولت مرکزی اتحاد شوروی گذاشت. قابل ذکر است که دولت بزرگ اتحادشوروی وقت در انجام چنین برنامه کاری، بعد مطالعات دلسوزانه، آگاهانه و منطقی به چنین اقدامی متوصل شده است، به همه معلوم است

با آنکه ولایت بدخشان افغانستان سرا پا از عقب ماندگی رنج می برد مناطق سرحدی آن که خوشبختانه در امنیت کامل بسر میبرند ، و همچنان در بخش رشد و انکشاف کمی معارف در سطح بلندی قرار داشته از آفت بیسودی نجات یافته اند ، با گسترش دامنه نفوس در بین مناطق وضع زندگی اجتماعی ، اقتصادی نامرتب بوده روز تا روز دشوار تر میشود ، ناگفته پیداست همچنانکه در طول تاریخ از بودجه ولایت ذره ای به این ولسوالی ها به جز معاش کارمندان دولتی در دیگر ساحات عمرانی و انکشافات اقتصادی به مصرف نرسیده در آینده ها نیز امیدی دیده نمیشود .

لذا ضروری پنداشته میشود که به نسبت اشتراکات فرهنگی مردمان کران و منجان ، زیباک ، اشکاشم ، واخان ، شغنان ، روشن و شیوه تا خنج و دولت شاهی که در حوزه مشترک فرهنگی مربوط به خود برادرانه باهم زندگی دارند و در وضعیت نا به سامان و رقتبار زندگی قرار دارند بدون آنکه در محراق توجه دولت مرکزی قرار گرفته با برنامه های منظم و با بودجه های عمرانی و انکشافی دستگیری نشوند ازین حالت ابدن رهائی یافته نمیتوانند ، درسالهای اخیر مردم برخی از مناطق این ولسوالی ها به مساعدت مواد غذایی در برابر کار تعدادی از انجو ها و مؤسسات خبریه بین المللی با بیل و کلند راه های محدود خامه موثر رو را در جا جای این مناطق بصورت غیر فنی و بسیار ابتدائی ساخته اند که در شش ماه زمستان این راه ها به خاطر برفباری ها مسدود و بقیه سال با ده ها حوادث مرگبار جانی و مالی ترافیکی نیمه فعال میباشند ، بدینصورت شرایط زندگی خاص این مردم ایجاب مینماید تا این مناطق به حیث واحد های اداری مستقل بنام **ولایت پامیر** که نام زبینه این سرزمین است ارتقا داده شده دارای امتیاز بودجوی عمرانی و انکشافی خود شده برای رشد و انکشاف اوضاع اجتماعی ، اقتصادی ویژه شان برنامه ریزی های عملی نموده کار و فعالیت نمایند.

همچنان ولسوالیهای خواهان ، کوف آب ، نسی ، شکی که مناطق وسیع کوهستانی را احتوا مینمایند و این ساحه از خواهان تا دره تنگشیو هم سرحد روشن شغنان تاکنون حتا از سرک عادی پیاده گذر محروم اند ، در بسیاری ازین مناطق حتا امکان سفر با الاغ میسر نیست و وضعیت فوق العاده کوهستانی آن اعمار سرک به شرایط عادی و خامه را هم از توان مردم این سرزمین بدور ساخته است ، این مردم دارای فرهنگ مخصوص به خود ، شجاع ، زنده دل و تمدن پذیر اند ، خوشبختانه سایه شوم بیسودی درین ولسوالی ها نیز از فیض نور معارف برچیده شده است ، یگانه وسیله رفع مشکلات مردم این سرزمین ارتقای آن به سطح ولایت به نام **ولایت درواز** میباشد که با این شیوه دولت شرایط دشوار زندگی این مردم را در نظر گرفته با تعیین بودجه خاص عمرانی و انکشافی مطابق نیازمندی های بیحد و حصر شان به خاطر ایجاد شرایط بهتر زندگی موافقه نماید تا این مردم به کمک مساعدت های دولت و جلب مساعدت بین المللی برای اعمار درواز متمدن مانند درواز تاجیکستان و سایر نقاط مختلف متمدن جهان از شرایط بهتر زندگی برخوردار شوند .

جا دارد با ابراز قدردانی از طرح معقول و کاملن همه جانبه برادر عزیزم جناب محترم بازمحمد انوری شخصیت قابل افتخار و فرزند صادق مردم این سرزمین بخشی از ضرورت طرح این موضوع را به خاطر مطالعه مجدد خواننده عزیز طور تکرار احسن کاپی و ضمیمه این نوشته نمایم :

به همه برادران بدخشانی ، مردم افغانستان و دنیا معلوم است که ولسوالی های سرحدی بدخشان در شرایط قرون وسطائی زندگی دارند ، بسیاری از قریه جات این ولسوالی ها گذشته ازینکه از برق ، سرک و مکتب و کلینک صحتی و دیگر ضروریات تمدن و شرایط مدنی محروم اند ، انسانهای اغلب دور دست این مناطق مخصوصن زنان در تمام عمر روی داکتر یا نرس را ندیده و حتا از یک تابلت ادویه استفاده ننموده زندگی را پدرود میگویند ، مامورین بویژه معلمین ولسوالی های سرحدی در تمام دوره خدمت بعد از شش ما و گاهی حتا یکسال معاش کار و زحمت شانرا گرفته نمیتوانند ، شرایط زندگی درین مناطق روز تاروز نسبت تصاعد سطح فقر ، ازدیاد بیکاری و شیوع مواد مخدر، ترافیک و قاچاق آن ، فساد اداری بد ترشده میروود ، دوایر دولتی و مقام ولایت بدخشان با آنکه در دیگر واحد های اداری هم در طول تاریخ ایجادشوی این ولایت دستاوردی قابل حسابی نداشته اند ولسوالی های سرحدی را همچون انگشت ششم در نظر دارند ، بعد از استقرار حکومت مجاهدین تاکنون عادی ترین کارمند حتا ملازم در سطح ادارات حکومتی دفاتر ولایتی از مردمان واخان ، اشکاشم ، شغنان ، زیباک ، درواز ، شکی ، کوف آب ، منجان ، یمگان و خواهان وجود ندارد ، این مردم نیز هیچ امیدی برای بهبود زندگی شان ازین ادارات مرکز ولایت شان ندارند ، نبود سرک و راه های مناسب ترانسپورتی موثر رو ، رفت و آمد به مرکز ولایت را دشوار و این فاصله که از اغلب نقاط ولایت با پای پیاده انجام میشود روز های بالا تر از پانزده روز را در بر میگیرد ، ازجهتی مردم ولسوالیهای سرحدی معارف دوست ، بی تعصب و تمدن پذیر اند ، کنترول بیمورد تعصب آلود و غیر معمول اکثر مقامات دولتی ولایت ، ارگانهای دولتی ولسوالیهای سرحدی را از ابتکار های ارزنده بازداشته سبب عقب ماندگی امور میشوند این امر مخصوصن برای معارف ، اطلاعات و فرهنگ صدمه های بزرگی وارد آورده است ، همچنان عدم تخصیص بودجه های انکشافی به این مناطق به خاطر بهبود وضع

زندگی، رشد و انکشاف معارف، صحت عامه و برنامه های انکشاف زراعت و مالداري، صنايع محلی، برق، خطوط مواصلاتی و ترانسپورتی و دیگر بخش های مهم زندگی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی، سبب شده تا این مردم پیوسته در نا امیدی بسر برند، یگانه راه آبرومند برون رفت ازین شرایط دست و پاگیر به این مردم لازم است تا سرنوشت مردم این ولسوالی ها بدست خود شان سپاریده شود و ولایت بدخشان در محدوده ای ولسوالیهای واکان، زیباک، اشکاشم، شغنان به شمول قریه جات شیوه که خلاف اراده این مردم از بدنه شغنان جدا ساخته شده اند به نام ولایت پامیر و ولسوالیهای خواهان، کوف آب، نسی و شکی بنام ولایت درواز در تشکیلات حکومت افغانستان گنجانیده شده برای این دو ولایت جدید تأسیس تخصیص بوده انکشافی بطور جداگانه داده شود تا مستقلانه نظر به شرایط دشوار محیطی، خود شان برنامه ریزی نموده برای اعتلای این سرزمین های فوق العاده کوهستانی و سخت گذر کار و فعالیت نمایند. ...

... واین طرح با پره گراف اختتامیه اش مبنی بر امید همبستگی برادرانه همه ی مردم و همه نخبه گان دلسوز و خردمند این مناطق صمیمانه پیشکش شده و انشاء که در تفاهم و مشوره های عمومی زمینه های عملی شدنش برنامه ریزی و عملی میشود.

...اما باید گفت که منظور از انکشاف ولایت بدخشان به دو ولایت پامیر و درواز نیاز مردم محروم و رنج دیده این مناطق است و به این شیوه مردم بدخشان عزیز ما امکانات بهتر زمینه های رشد و انکشاف اقتصادی، فرهنگی و امنیتی بهتری را در در بسط و توسعه بودجه های انکشافی دولت، جلب سرمایه گذاری ها و ابتکارات ارزنده کادر های محلی نصیب شده در اوضاع سیاسی کشور از تأثیر پذیری برتری برخوردار شده میتوانند و انتظار داریم برادران بدخشانی ما مخصوصن روشنفکران و نخبگان سیاسی علما و روحانیون و همه ی مردم ازین امر که به سود برادران شان است پشتیبانی نمایند، مسلم است که شاید چنین پیشنهاد به مذاق تعدادی بنا به عواملی همخوانی نکند، اما اینگونه اشخاص باید در نظر داشته باشند که تاکنون تعدادی از ولایت های بزرگ کشورما نظیر ولایت مشرقی که فعلا به ولایات ننگرهار، لغمان، کنر، نورستان و یا پکتیا که به ولایات پکتیا، خوست و پکتیکا تقسیمات یافتند در پیوند برادرانه مردمان این سرزمین کدام تغییری رونما نگردیده است بلکه هرکدام ازین ولایات هم اکنون دارای بودجه های انکشافی و بر پایه آن برنامه های انکشافی مربوط به خود اند و همچنان از امتیازات سیاسی خود در دولت افغانستان نیز مستفید میشوند که برای شان بمراتب سهولت آفرین از گذشته ها شده است، تقاضا و به کرسی نشاندن این پیشنهاد به سعی و پشت کار مردمان این سرزمین، به وکلای محترم شان و به تلاش روشنفکران این سرزمین وابستگی دارد که با جمع آوری امضا در جهت توضیح اراده، پشتیبانی و موافقه همه ی مردم این مناطق، طرح این پیشنهاد را به اذهان و دسترس مقامات مسئول رهبری دولت افغانستان رسانیده از سلسله ای مراجع قانونی در حکومت و پارلمان کشور به کرسی نشانند.

با آرزوی پیروزی های مزید.

ز قرص ماه رخسیدن بیاموز	ز دست ابر، بخشیدن بیاموز
صفا، از قطره های پاک شبنم	ز جام لاله، خندیدن بیاموز
بخوان در چهر گل، آیات پاکی	ز بلبل، عشق ورزیدن بیاموز
سرافرازی ز کوهستان فراگیر	ز موج بحر، جنبیدن بیاموز
ز چشم اختران، شب زنده داری	ز دور چرخ، گردیدن بیاموز
سکوت، از تیره شبهای غم انگیز	ز ظلمت، راز پوشیدن بیاموز
امید زندگانی از بهاران	ز چشمه سار، جوشیدن بیاموز
جمال آفرینش را ز صد شوق	جو (شهنازی) پرستیدن بیاموز ...

شعر از اسحاق شهنازی شاعر گرانمایه زبان پارسی

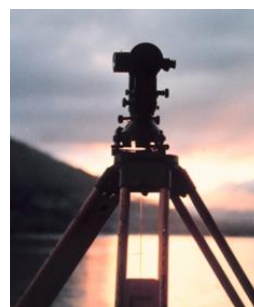
۱ - رصد خانه پرانال مرکز نجوم در ارتفاع ۲۶۳۵ متری سطح بحر در شیلی کشور امریکای جنوبی مربوط به رصد خانه جنوبی اروپاست که دارای چهار تلسکوپ وی ال تی میباشد .



جی پی اس خود رو (موتر)



جی پی اس



تئودولیت (زاویه یاب)



۲- توتال

منابع و مأخذ :

www.eso.org/projects/vlt/

- فرهنگ عمید
- دیوان اشعار خاقانی
- فرهنگ نامه فرج الله خدا پرستی
- دایرة المعارف فلسفی کنستانتینوف
- تاریخ باستان شغنان دکتور خوش نظر پامیرزاد
- دانشنامه آریانا (دایرة اعارف افغانستان)
- بدخشان نیازمند تشکیل واحد های اداری جدید است مقاله بازمحمد انوری سیمای شغنان